



گفت‌وگو با دختر استاد ادیب برومند شاعر ملی در سالگرد درگذشت او از سلطه بیگانه پرداز وطن را



عکاس: مژگان خلیلی سامانی

استاد عبدالعلی ادیب برومند، حقوقدان، شاعر و از ملیون پیشکسوت کشورمان در اسفندماه سال ۱۳۹۵ در ۹۲ سالگی چشم از جهان فرو بست. او زاده‌ی شهرستان گز بر خوردار از توابع اصفهان بود و در زندگی پر بارش ۱۲ دفتر شعر و ۱۴ اثر پژوهشی و تألیفی از خود به جا نهاده استاد برومند است. ادیب برومند به خاطر سرودن اشعار ملی و میهنی در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق از سوی ایشان لقب شاعر ملی را دریافت کرد. به مناسبت سالگرد درگذشت این شاعر ملی درباره فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی او با پوراندخت برومند، بیگانه دخترش که خود، از وکلای برجسته دادگستری و پژوهشگر در رشته ادبیات فارسی است گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که به‌مرور آن می‌پردازیم.

او از سنین نوجوانی به ادبیات علاقه داشت و با استفاده از کتاب‌های کتابخانه مدرسه، دیوان شعرای متقدم و شعرای معاصر را خوانده بود و به ذوق شاعری خود پی برده بود

اخگر و عرفان اصفهان شروع کرد. او تحت تأثیر افکار آزادیخواهانه و شاعرانی مانند عارف، عشقی و فرخی یزدی و بهار قرار داشت و معتقد بود که شاعر باید از درد مردم و درد میهن سخن بگوید و از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی کشور باید انتقاد کند و خواستار اعتلای میهن باشد. در عین حال، انتخاب رشته حقوق به این دلیل بود که وکالت دادگستری و رشته حقوق برای خود جایگاهی داشت و انسان‌های آزادیخواه و حق طلب بر این باور بودند؛ وقتی که این رشته را بخوانند می‌توانند به حقوق مردم و قوانین کشور واقف شوند تا به نحوی بتوانند از این طریق، حق طلبی و آزادی خواهی را دنبال کنند، اما علاقه اصلی پدر ادبیات بود و وکالت را به خاطر همان حق طلبی دنبال کرد.

◀ آیا پدر با ملک الشعرای بهار آشنایی و ارتباط نیز داشت و خاطراتی از آن دوران برای شما نقل کرده است؟

بله. پدر از همان دوره دبیرستان که شعر می‌گفت، یک‌بار قطعه شعری را برای روزنامه نوبهار که ملک الشعرای بهار آن را سرپرستی و منتشر می‌کرد، فرستاد. او فکر نمی‌کرد که این شعر حتماً به دست ملک الشعرا برسد، اما ملک الشعرا آن شعر را دیده بود و نه تنها آن را در روزنامه چاپ کرده بود، طی نامه‌ای هم توصیه‌هایی را به پدر کرده بود. او به پدر تأکید کرده بود که برای ارتقا و پیشرفت در شعر بهتر است که دیوان شعرای متقدم را بخواند و کتاب‌هایی را هم به پدر معرفی کرده بود و پدر از توجه ملک الشعرا به شعر خود بسیار خوشنود شده بود و به توصیه‌های بهار عمل کرده بود. بعد از این که پدر به تهران آمد و دانشجو شد، با استاد شهریار و ملک الشعرای بهار ملاقات‌هایی داشت و شهریار به خانه دانشجویی او می‌رفت و گاهی نیز به دیدار ملک الشعرای بهار می‌رفت و اشعارش را برای او می‌خواند. البته، پدر جوان تر

علی شاملو محمودی، روزنامه‌نگار
shamloo.ali22@yahoo.com

درباره زندگی و تولد استاد بگویید؟

پدرم در مقدمه کتاب‌هایی که به چاپ رسانده، به‌ویژه در کتابی تحت عنوان «یادمانده‌ها» که خاطرات او را از دوران کودکی تا ۲۸ مرداد ۳۲ دربرمی‌گیرد، در این باره توضیح کامل داده است. پدر در ۲۱ خردادماه سال ۱۳۰۳ در روستای گز بُرخوار از روستاهای کهن اصفهان تولد یافته و تا حدود ۹ سالگی در آن روستا حضور داشت. البته این روستا در حال حاضر تبدیل به شهر شده است. بعد از ۹ سالگی به اصفهان رفته و دوران دبیرستان و نوجوانی و جوانی را در اصفهان گذرانده است. پس از آن، در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران قبول شده و به تهران آمده است که خود در کتاب یادمانده‌ها توصیفی که از آن دوران دارد و نوشته است که فضا و محیط دانشگاه در آن زمان (از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴)، فضای خیلی مطلوبی بوده است، چون بحث‌های سیاسی و اجتماعی در دانشگاه‌ها جریان داشته و اساتید خوش فکر و آگاهی در دانشگاه تدریس می‌کردند. پدر از دکتر شایگان، دکتر سنجابی، استاد جلال‌الدین همایی و استاد پورداوود و دیگر اساتیدی که می‌توان گفت بنیان‌های فکری روشنگری و روشن‌اندیشی تا حدود زیادی متکی بر نظرات آنان بود، نام می‌برد.

◀ با وجود اینکه رشته تحصیلی استاد برومند، حقوق بود، اما چطور شد که به ادبیات گرایش پیدا کرد؟

او از سنین نوجوانی به ادبیات علاقه داشت و با استفاده از کتاب‌های کتابخانه مدرسه، دیوان شعرای متقدم و شعرای معاصر را خوانده بود و به ذوق شاعری خود پی برده بود. از حدود ۱۷ سالگی با سرودن شعر و چاپ آن در روزنامه‌های

پدر از توجه ملک الشعرا به شعر خود بسیار خوشنود شده بود و به توصیه‌های بهار عمل کرده بود. بعد از این که پدر به تهران آمد و دانشجو شد، با استاد شهریار و ملک الشعرای بهار ملاقات‌هایی داشت و شهریار به خانه دانشجویی او می‌رفت و گاهی نیز به دیدار ملک الشعرای بهار می‌رفت و اشعارش را برای او می‌خواند



کتاب‌های «ناله‌های وطن» و «افکار امروز» و نسخه مختصری از «سرود رهایی» را در حدود دهه ۲۰ چاپ کرده بود، اما پس از آن، سال‌ها کتابی از او به چاپ نرسید

مسائل مختلف سیاسی از جمله نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق و مبارزات آزادی‌خواهانه ملت ایران که همگی، حکایت از چگونگی آن رویداد تاریخی دارد، در کتاب سرود رهایی به چاپ رسید و مجموعه اشعارش در ۲ مجلد توسط انتشارات نگاه در سال ۹۱ انتشار یافت.

◀ گویا در سال ۱۳۲۶ نمایشنامه‌ای نیز توسط استاد برومند نوشته شده است؟

بلی. می‌دانید که از سال ۱۳۲۰ ایران در اشغال متفقین بود. همان‌طور که پدر در «یاد مانده‌ها» نوشته است، از یک‌طرف دیکتاتوری کمتر شده بود و از طرف دیگر، متفقین ایران را اشغال کرده بودند و نوعی دوگانگی وجود داشت؛ یعنی از یک‌سو، بحث‌ها آزاد بود، ولی زیر چکمه استعمار بودیم و این باعث می‌شد که دل‌نگرانی نسبت به آینده ایران شدت بگیرد. به همین دلیل، پدر آپرت «ایران پرآشوب» را در سال ۱۳۲۶ به نگارش درآورد که آمیزه‌ای از نظم و نثر بود. در آن زمان، مسئله فرقه دمکرات آذربایجان و درگیری‌های قومی در جنوب و به‌هم‌ریختگی نظام اداری و سیاسی کشور سبب شد که پدر در این آپرت با انتقاد از چنین اوضاعی، استیفای حقوق کامل ایران بر منابع آن، به‌ویژه نفت را که به‌وسیله بیگانگان به غارت می‌رفت مطرح کند. بازیگران نمایشنامه در نقش پهلوانان ایران باستان و پادشاهان نیکنامی مانند کیخسرو و شاعرانی چون فردوسی ظاهر می‌شوند و از عظمت ایران می‌گویند و با خواندن اشعار حماسی پدر و آهنگ شورانگیزی که زنده یاد عبدالحسین برازنده بر آن نمایشنامه گذاشته بود، با ندای نویسنده نمایشنامه در جهت نهضت ملی و تغییر اوضاع سیاسی همراه می‌شوند. روانشاد ناصر فرهنگداز هنرمندان اصفهان، تدارک و تهیه این نمایشنامه را بر عهده داشت و اجرای آن در یکی از تماشاخانه‌های اصفهان با استقبال پرشور مردم روبه‌رو شد.

◀ استاد برومند چگونه به عرصه سیاست کشیده شد؟ چنانکه قبلاً نیز گفتیم، افکار آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه

بود و آنها مسن‌تر، ولی پدر همیشه از تشویق ملک‌الشعرا یاد می‌کرد. حتی ملک‌الشعرا از این‌که پدر به توصیه‌های او عمل کرده بود، خشنود بود و از او خواسته بود تا به راه خود ادامه دهد. پدر در کتاب «یاد مانده‌ها» به توصیف این جلسات پرداخته و نوشته است که شهریار غزلیات عاشقانه خود را می‌خواند و علاوه بر پدر، از جمله کسانی که در آن جلسات انس حضور داشت، محمد قاضی، مترجم زبردست و دوست پدر بود که پدر از مصاحبت او لذت می‌برد.

◀ آیا ارتباطشان با استاد شهریار بعد از انقلاب نیز ادامه داشت؟

خیر. ارتباط دورادور داشتند و گاهی تماس‌ها تلفنی بود، ولی دیدار حضوری دیگر نداشتند.

◀ نخستین اشعار استاد برومند چگونه جمع‌آوری و در چه سالی منتشر شد؟

اشعار پدر به‌طور پراکنده در مجلات و روزنامه‌ها منتشر می‌شد. کتاب‌های «ناله‌های وطن» و «افکار امروز» و نسخه مختصری از «سرود رهایی» را در حدود دهه ۲۰ چاپ کرده بود، اما پس از آن، سال‌ها کتابی از او به چاپ نرسید. زیرا بر اساس یک ناب‌نگری اعتقاد داشت که باید در بهترین شرایط، مجموعه‌ای از اشعارش منتشر شود، اما در روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌هایی مانند گل‌های رنگارنگ، یغما، باغ صاحب، وحید، ارمغان، اشعارش مرتب چاپ می‌شد. باین‌حال، اولین باری که قسمتی از اشعار خود را منتشر کرد، سال ۱۳۵۷ بود که کتاب «پیام آزادی» را به چاپ رساند. این کتاب دربرگیرنده اشعاری درباره مبارزات استقلال‌طلبانه ملت‌های تحت ستم استعمار و سروده‌هایی در ضدیت با افکار نژادپرستانه و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی و تحسین مبارزات مردم فلسطین، ویتنام، آمریکای لاتین و نفرت از جنگ و دریغ از صلح بود. بعدها غزلیاتش در کتاب‌های «در آشنا» و «گل‌های موسمی» به چاپ رسید و اشعار میهنی او درباره

آپرت «ایران پرآشوب» را در سال ۱۳۲۶ به نگارش درآورد که آمیزه‌ای از نظم و نثر بود

در آن زمان احزاب و گروه‌های مختلفی فعالیت می‌کردند. از جمله حزب ایران که اندیشه‌های سوسیالیستی و آزادیخواهانه و ملی‌گرایانه را ترویج می‌کرد. پدر که مرامنامه این حزب را با دیدگاه‌های خود نزدیک می‌دید به عضویت این حزب درآمد. در آن زمان حزب ایران یکی از احزاب تشکیل‌دهنده جبهه ملی ایران بود

از نوجوانی و جوانی در پدر شکل گرفته بود و اشعاری به‌طور پراکنده در مورد آزادی و استقلال می‌سرود و خواستار حاکم شدن فضای آزاد سیاسی بود. فضایی که در آن، انتقاد از نابسامانی‌ها آزاد باشد و بتوان خواسته‌های مردم را مطرح کرد. در آن زمان احزاب و گروه‌های مختلفی فعالیت می‌کردند. از جمله حزب ایران که اندیشه‌های سوسیالیستی و آزادیخواهانه و ملی‌گرایانه را ترویج می‌کرد. پدر که مرامنامه این حزب را با دیدگاه‌های خود نزدیک می‌دید به عضویت این حزب درآمد. در آن زمان حزب ایران یکی از احزاب تشکیل‌دهنده جبهه ملی ایران بود.

◀ در تشکیل حزب ایران چه کسانی نقش داشتند؟

تا آنجا که به یاد دارم اللهیار صالح، احمد زیرک زاده، کریم سنجابی، کاظم حسینی، شمس‌الدین امیر علایی، نظام‌الدین موحد و بسیاری از عناصری که جبهه ملی را تشکیل دادند در این حزب بودند.

◀ پدر از چه زمانی با دکتر مصدق آشنا شد؟

آشنایی با دکتر مصدق در مرحله نخست، به آشنایی با افکار دکتر مصدق برمی‌گردد، اما اولین دیدار هنگامی صورت گرفت که دکتر مصدق در یکی از مراسم دانشگاه تهران شرکت کرده بود و پدر توسط دکتر شایگان که استادشان بود، به دکتر مصدق معرفی شد.

◀ در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، دیداری با او نداشت؟

دیدار نداشت، اما دکتر مصدق با خواندن اشعاری که پدر برای ایشان می‌فرستاد و در نشریات منتشر می‌شد، پدر را می‌شناخت. انتشار اشعار پدر در حمایت از نهضت ملی ایران و ملی شدن صنعت نفت در جراید یا پخش از رادیو یا به‌صورت اعلامیه در آن سال‌ها با معرفی او در رسانه‌ها با عنوان شاعر ملی همراه بود که ظاهراً دکتر مصدق نیز این امر را تأیید کرده بود. البته پیش از آن نیز روزنامه‌ها و جراید با عنوان شاعر ملی، سروده‌های میهنی او را به چاپ می‌رساندند. شاعر ملی، به شاعری گفته می‌شود که شعرش از آنچه در سرنوشت میهنش تأثیر نهاده متأثر باشد. شعر پدر نیز این ویژگی را داشت. به‌عنوان مثال؛ در مورد ملی شدن صنعت نفت گفته است:

ای ملت آزاده به پا خیز به پا خیز

ای خلق ستم‌دیده ز جا خیز ز جا خیز

از سلطه بیگانه بپرداز وطن را

وز زاغ و زغن ساحت این باغ و چمن را

◀ استاد برومند در سال ۳۹ به عضویت جبهه ملی دوم درآمد، چه خاطره‌ای از آن سال دارید؟

در سال ۳۹ من ۵ سال داشتم، بنابراین، خاطره زیادی از آن سال ندارم. با مرور خاطرات پدر گویا بعد از این که سال ۳۹ جبهه ملی موجودیت خود را اعلام و فعالیت خود را آغاز کرد، همان زمان انتخابات دوره بیستم مجلس بود که در اجرا و نتایج آن اعمال نظر می‌شود و اعتراضاتی هم انجام می‌گیرد.

◀ پدر در سال ۱۳۴۱ بازداشت شد. چه خاطره‌ای از

این واقعه در ذهن شما نقش بسته است؟

پدر با اکثر مبارزان آن زمان مانند اللهیار صالح، دکتر سنجابی، آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان، مهندس حسینی و دکتر سحابی دستگیر شد و در زندان قزل‌قلعه بود. حتی دانشجویان عضو جبهه ملی را در آن زمان گرفته بودند و همه اینها زندان بودند و همه به‌تدریج از پائیز ۴۱ دستگیر شدند و عملاً تا خرداد ۴۲ حدود چند ماهی در زندان بودند و در آن موقع، زندان‌ها به این شکل نبود که خیلی سختگیری در آن باشد؛ حتی می‌شد غذا از منزل برای آنها ببریم و من کلاس دوم دبستان بودم و وقتی از مدرسه برمی‌گشتم غذای پدر را به زندان قزل‌قلعه می‌بردیم و در آنجا گاهی در فضای قزل‌قلعه که وسیع بود، من طناب‌بازی می‌کردم. چون برادر کوچکم متولد ۱۳۳۹ است، او خیلی کوچک بود و وقتی برای ملاقات پدر می‌رفتیم، می‌گفت به منزل پدر می‌رویم و روحیه مادر در این زمینه بسیار خوب عمل می‌کرد و ما خیلی مفتخر بودیم که پدر در راه آزادیخواهی زندان رفته و به ملاقات پدر می‌رویم و دوست داشتیم در مورد آن حرف بزنیم و بگوییم که پدر مبارزه کرده و زندان رفته است. حتی برادر بزرگ‌ترم انشاهایی می‌نوشت که رنگ و بوی سیاسی داشت. در این ملاقات‌ها که روز مشخصی بود، خانواده‌ی همه زندانی‌ها بودند. نوروز سال ۴۲ یادم می‌آید زندانیان در حیاط زندان جمع شده بودند و خانواده‌ها برای ملاقات می‌آمدند. در آن زمان صحبت از این بود که ممکن است اعتصاب غذا کنند و خانواده‌ها در جریان امر قرار داشتند و مادرم با خانواده‌های زندانی‌های دیگر در ارتباط بود و تصمیم می‌گرفتند چه خواسته‌هایی را مطرح کنند و چه چیزی را پیش ببرند و این ارتباط در آن موقع بین خانواده‌های زندانیان سیاسی ارتباط خیلی صمیمانه‌ای بود.

◀ آیا در انتخابات مجلس اول استاد برومند شرکت کرده بود؟

بلی. او در لیست کاندیداهای جبهه ملی از تهران بود و آرای به‌دست‌آمده نیز حدود بیست هزار بود، ولی به مجلس راه نیافت. البته در مورد کاندیداهای جبهه ملی در شهرستان‌ها هم گویا کارشکنی‌هایی شده بود.

◀ از حضورتان در این گفت‌وگو سپاسگزاریم. ■

پدر توسط دکتر شایگان که استادشان بود، به دکتر مصدق معرفی شد

دکتر مصدق با خواندن اشعاری که پدر برای ایشان می‌فرستاد و در نشریات منتشر می‌شد، پدر را می‌شناخت

پدر با اکثر مبارزان آن زمان مانند اللهیار صالح، دکتر سنجابی، آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان، مهندس حسینی و دکتر سحابی دستگیر شد و در زندان قزل‌قلعه بود

